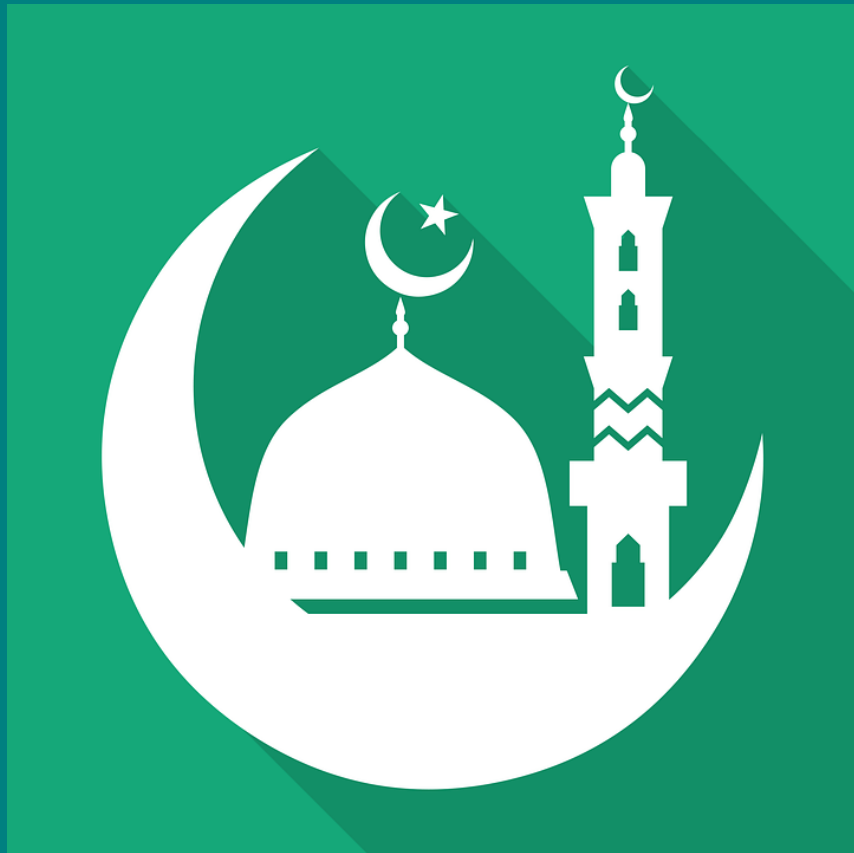


قانون اساسی اسلام مدرن



آية الله العظمى سيد رضا حسيني نسب



صفحه	فهرست مطالب
4	مقدمه : اسلام مدرن و حکومت
11	فصل اول : اصول کلی
16	فصل دوم : منشور حقوق و آزادی ها
22	فصل سوم : حقوق اجتماعی
24	فصل چهارم : نظام اقتصادی و مالی
31	فصل پنجم : سیاست های فرهنگی
33	فصل ششم : تشکیلات نظام حکومتی
35	فصل هفتم : دستگاه قانونگذاری (مجلس شورای اسلامی)
38	فصل هشتم : شورای نگهبان قانون اساسی
40	فصل نهم : شوراها
41	فصل دهم : رهبری نظام
43	فصل یازدهم : دستگاه اجرایی
46	فصل دوازدهم : دستگاه قضایی
49	فصل سیزدهم : سازمان رسانه ملی
50	فصل چهاردهم : سازمان ملی انتخابات کشور
53	فصل پانزدهم : بازنگری در قانون اساسی

مقدمه : اسلام مدرن و "حکومت"

با مطالعه سیره رسول خدا (ص) روشن می گردد که آن حضرت، از آغاز دعوت خویش، درصدد پدید آوردن يك نظام عادلانه، خردمندانه، و نیرومند، بر پایه ایمان به خداوند، مردمسالاری، و مشارکت عمومی برآمد، تا توانایی پی ریزی طرح ها و اجرای برنامه های شریعت را داشته باشد.

شایسته است در اینجا به برخی از شواهدی که بیانگر این همت بلند پیامبر اسلام (ص) است، اشاره کنیم:

1. آنگاه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مأموریت یافت تا دعوت خود را آشکار سازد، با روش های گوناگون، به تشکیل هسته های مبارزه و گردآوری نیروهای مسلمان پرداخت و در این راستا، با گروه هایی که از دور و نزدیک به زیارت کعبه می آمدند، ملاقات می کرد و آنان را به سوی اسلام دعوت می نمود و دراین میان، با دو گروه از مردم مدینه در محلّ «عقبه» به گفتگو نشست و آنان پیمان بستند تا آن حضرت را به شهر خود دعوت کنند و از او حمایت نمایند و بدین سان، نخستین گامهای سیاستگذاری آن حضرت، در جهت تأسیس نظام مردمسالار اسلامی، برداشته شد. (سیره ابن هشام، ج 1)

2. رسول خدا، پس از هجرت به شهر مدینه، اقدام به پایه گذاری و تشکیل يك سپاه نیرومند و با صلابت فرمود. ارتشی که در دوران رسالت وی، در هشتاد و دو نبرد گوناگون، شرکت نمود و با پیروزی های درخشان خود، موانع گسترش آئین الهی را از سر راه مسلمانان برداشت.

3. پس از استقرار نظام مردمی و عادلانه اسلامی در مدینه، پیامبر (صلی الله علیه وآله) با اعزام سفیران و ارسال نامه های تاریخی، با قطب های نیرومند سیاسی و اجتماعی عصر خود، ارتباط برقرار کرد و با بسیاری از سران گروه ها، پیمان اقتصادی، سیاسی و یانظامی بست.

4. در تاریخ صدر اسلام، نامه های پیامبر گرامی به: «کسری» امپراتور ایران، «قیصر» پادشاه روم، «مقوقس» سلطان مصر، «نجاشی» فرمانروای حبشه و دیگر زمامداران آن زمان را مشاهده می کنیم. برخی از محققان، اکثر نامه های یاد شده را در رساله ای جداگانه گرد آورده اند. («الوثائق السیاسیّه» و «مکاتیب الرسول»).

5. رسول خدا به منظور پیشبرد اهداف اسلام و انسجام هر چه بیشتر پایه های نظام نوپای اسلامی، برای بسیاری از مناطق و شهرها

فرمانروا تعیین کرد. به عنوان مثال نمونه ای از اقدام آن حضرت در این زمینه را می آوریم:

پیامبر گرامی، رفاعه بن زید را به عنوان نماینده خود، به سوی قبیله خویش، اعزام نمود و طيّ نامه ای چنین نگاشت:

"به نام خداوند بخشنده مهربان، این نامه ای است از محمد پیامبر خدا برای رفاعه بن زید. من او را به جانب قوم خود و توابع آن گسیل داشتم تا آنان را به سوی خدا و پیامبر دعوت کند. پس هرکس دعوت وی را بپذیرد، ازحزب خدا و پیامبر خواهد بود و هرکس از او روی بگرداند، دو ماه فرصت امان دارد." (مکاتیب الرسول، ج 1، ص 144).

با در نظر گرفتن اینگونه رفتارها و اقدام های تشکیلاتی از جانب پیامبر(صلی الله علیه وآله) شکی نیست که وی از آغاز بعثت، درصدد تشکیل يك نظام عادلانه، حکیمانه و نیرومند بوده است تا در پرتو آن، احکام جهان شمول اسلام، تحقق یابد.

روشن است کارهایی از قبیل پیمان بستن با گروه ها و قبایل متنقذ، بنیان گذاری ارتشی نیرومند، اعزام سفیر به کشورهای مختلف، هشدار دادن به پادشاهان و فرمانروایان و مکاتبه با آنان، و گسیل داشتن استانداران و فرمانداران به شهرها و بخشهای دور و نزدیک و

امثال این امور، مصادیق بارز «سیاست ورزی». به معنای تدبیر و اداره شؤون جامعه می باشند.

گذشته از سیره پیامبر، روش امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) در امر کشورداری در زمان خلافت و حکومت خویش نیز، بر این حقیقت روشن، گواهی می دهد.

دانشمندان هر دو گروه اسلامی شیعه و سنی، دلایل گسترده ای از کتاب و سنت بر لزوم حکومت و مدیریت امور جامعه، اقامه کرده اند که به عنوان نمونه، برخی از آنها را یادآور می شویم:

ابوالحسن ماوردی در کتاب خود «احکام سلطانیّه» می گوید:

"امامت و حکومت، به منظور جانشینی و پی گیری نبوت، قرار داده شده است، تا موجب پاسداری از دین و سیاست و تدبیر امور دنیا گردد، و برقراری حکومت برای کسی که آن را برپا می دارد، به اتفاق و اجماع مسلمانان، واجب است". (الاحکام السلطانیه (ماوردی)، باب اوّل، ص 5، ط 1، مصر)

این دانشمند مسلمان، در مقام اثبات این معنا، به دو نوع دلیل، اشاره می نماید:

1. دلیل عقلی

2. دلیل شرعی

در مورد دلیل عقلی، چنین می نگارد:

"زیرا این در سرشت خردمندان است که از رهبری پیروی نمایند، تا آنان را از ستم کردن بر یکدیگر بازدارد و به هنگام نزاع، آنان را از هم جدا سازد و اگر فرمانروایان نباشند، مردم پراکنده و آشفته می گردند و کارآمدی خود را از دست می دهند".

و در مورد دلیل شرعی چنین می گوید:

"دلیل شرعی بر واگذاری کارها به سرپرست جامعه و فرمانروای در دین، آنست که خداوند بزرگ می فرماید: «ای ایمان آورندگان، از خداو پیامبر و صاحبان امر پیروی کنید» پس خدا پیروی از صاحبان امر را بر ما واجب فرموده و آنان پیشوایان و فرمانروایان بر ما هستند". (الاحکام السلطانیة، باب اوّل، ص 5، ط 1، مصر)

از میان دانشمندان بزرگ شیعه نیز، شیخ صدوق به نقل از فضل بن شاذان، سخن ذیل را از امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نقل می کند:

"ما هیچ گروه و امتی را نمی یابیم که بدون فرمانروا و رئیس، بتواند به زندگی و بقای خود ادامه دهد؛ فرمانروایی که در شؤون دین و دنیا به

او نیاز است. پس، از حکمت خداوند حکیم به دور است که مردم را از آنچه بدو نیاز دارند و بدون آن نمی‌توانند روی پای خود بایستند، فروگذار نماید. پس مردم، همراه با فرمانروا با دشمنان خود می‌جنگند و به حکم او، غنیمت‌ها و دست‌آوردهای در جنگ را تقسیم می‌کنند و به فرمان او، نمازهای جمعه و جماعت را برپا می‌دارند و حاکم است که ستمگران را از ستمدیدگان، باز می‌دارد." (علل الشرائع، باب 182، ح 9، ص 253)

نتیجه:

از مجموعه آنچه بیان شد، روشن می‌گردد که تشکیل نظام اسلامی در صورتی که همه شرایط ایجابی لازم فراهم باشد، و همچنین، بنیان آن بر اساس رأی مردم و خواست آنان، و بر مبنای اصول و ارزش‌های انسانی مانند عدالت، استقلال، آزادی، سماحت، شایسته سالاری، اجتناب از ظلم و فساد، رسیدگی به محرومان جامعه، و سایر شرایط لازم استوار گردد، امری مطلوب، بلکه ضروری است.

اما در صورتی که بنیانگذاران و ادامه دهندگان حکومت دینی نتوانند شرایط فوق را رعایت نمایند، تشکیل و ادامه آن تحت نام دین و شریعت اسلام، به زیان جایگاه آئین اسلام خواهد بود. زیرا هنگامی که حکومت تحت عنوان دین اسلام تأسیس و اداره گردد، بسیاری از مردم همه نقص‌ها، ضعف‌ها، ظلم‌ها، نارسایی‌ها، تبعیض‌ها، فسادها، و

بی کفایتی ها را به حساب دین می گذارند، و از این رهگذر، به حرمت و تقدس آئین الهی، ضربه های هولناکی وارد خواهد شد.

بر این اساس، حکومت از دیدگاه اسلام، باید تبلور آرمان های یک ملت باشد که به خود سازمان می دهد تا در پرتو آزادی، عدالت، استقلال، اخلاق انسانی، حفظ حقوق همه شهروندان، قانون محوری، رسیدگی به اقشار آسیب پذیر جامعه، و دیگر ارزش های بالنده انسانی، راه اداره و توسعه امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور را با تکیه بر اراده و خواست مردم، هموار سازد.

توضیح: این نوشتار، به منظور ارائه الگویی پیشنهادی، جهت آشنایی با نظام کشورداری بر اساس نظریه "اسلام مدرن" تدوین گردیده است.

فصل اول: اصول کلی

اصل اول: حکومت در اسلام مدرن، جمهوری مردمسالار اسلامی است که بر اساس اعتقادات و ارزش های ملی و دینی و فرهنگی ملت، با همه پرسی سراسری در سطح کشور، برقرار می گردد.

اصل دوم: جمهور مردمسالار اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

1. خداوند یکتا

2. نبوت انبیاء الهی و رسالت پیامبر خاتم (ص)

3. عدل الهی

4. معاد و رستاخیز امت ها

5. امامت و هدایت پیشوایان فرزانه و پاک

6. مردمسالاری در کشورداری

7. آزادی مردم در محدوده قوانین مصوب نمایندگان ملت

8. کرامت انسان

9. استقلال و نفی هرگونه سلطه پذیری

10. مشارکت عموم مردم در سرنوشت کشور.

11. مبارزه با فقر و حمایت از نیازمندان

12. همبستگی ملی

13. پاسخگویی همه مسئولان و کارگزاران حکومت در برابر مردم

14. تساوی همه مردم در برابر قانون و نفی تبعیض نژادی ، قومی، مذهبی و جنسیتی.

15. توسعه جامع در همه ابعاد آن ، شامل: توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی.

16. حاکمیت قانون.

اصل سوم: دولت جمهور مردمسالار اسلامی موظف است در راستای تحقق اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را در زمینه های ذیل، به کار برد:

1. ایجاد فضای مساعد در سطح کشور برای رشد فضایل اخلاقی و سلامت نفس و مبارزه با مظاهر فساد ، ظلم ، و تباهی.

2. ارتقاء سطح آگاهی جامعه از طریق توسعه رسانه های آزاد و دستگاه های ارتباط جمعی.

3. آموزش و پرورش رایگان برای همه فرزندان کشور .

4. اهتمام بالغ در امر تحقیقات و پژوهش های علمی و ایجاد زمینه های لازم در جهت ابتکار و نو آوری در تمام زمینه های علمی، فنی، از طریق تأسیس و تقویت مراکز تحقیق و تشویق نخبگان و محققان و تلاش برای حفظ سرمایه های علمی انسانی در کشور و برنامه ریزی برای پیشگیری از فرار مغزها.

5. فراهم ساختن زمینه های لازم برای مشارکت عموم مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

6. تضمین استقلال کشور و طرد استعمار و سلطه اجانب و نفی نفوذ بیگانگان در امر کشورداری و تصمیم گیری های مسئولان کشوری و لشکری. هیچ يك از مقامات رسمي کشوري و لشکري، نمایندگان و مأموران عالیرتبه نظام ، اعضاء نهادهای قانگذاری و قضایی ، مجاز به دریافت مقرري، حقوق، لقب، هدیه، یا نشان افتخاري از هیچ دولت خارجي نیستند.

7. مبارزه با استبداد و خودکامگی و قانون شکنی فردی و حزبی و جناحی در امر کشورداری.

8. تضمین آزادی های سیاسی ، اجتماعی، فرهنگی و آزادی بیان ، و آزادی مطبوعات و رسانه ها بر مبنای قانون.

9. وضع قوانین در جهت نفی تبعیض های نژادی ، قومی ، مذهبی، و جنسیتی ، و زمینه سازی برای ارتقاء عموم افراد ملت به صورت عادلانه در جهت نیل به دستاوردهای مادی و معنوی.

10. سازماندهی نظام اداری کشور بر مبنای علمی و تخصصی و کارآیی و پاسخگویی در برابر قانون.

11. استحکام و تقویت بنیه دفاعی و نظامی در همه ابعاد، به منظور حفظ استقلال و تمامیت ارضی و محافظت از مرزهای خاکی ، آبی و هوایی کشور ، و تامین امنیت عموم مردم و مقابله با هرگونه حمله نظامی بیگانگان.

12. بنیانگذاری نظام اقتصادی کشور بر اساس "اقتصاد توسعه" که "رشد اقتصادی" را همگام با "عدالت در توزیع" به پیش می برد، و هدف اعلای آن، ارتقاء شاخص های اقتصادی و ریشه کن کردن فقر در جامعه و گسترش رفاه اجتماعی برای عموم مردم و احقاق حقوق همه اقشار ملت می باشد.

13. تامین خودکفایی کشور در عرصه های دانش، فناوری، صنعت، کشاورزی، امور نظامی، و دیگر زمینه های لازم.

14. تضمین تساوی همه افراد ملت در برابر قانون و تامین حقوق عموم مردم اعم از مرد و زن، و تامین امنیت برای همه مردم.

15. تحکیم اصول برادری و برابری و تقویت حس همیاری و مسئولیت پذیری و همبستگی ملی در جامعه.
16. توزیع منطقی قدرت بر مبنای اصل تفکیک قوا.
17. شایسته سالاری و تخصصی شدن ساختارها از طریق تربیت کادر متخصص و سپردن امور به مدیران لایق.
18. ارتقاء توانایی نظام در ایجاد انسجام میان ارزش ها و عملکردها.
19. پیاده کردن سیاست گفتگو ، تفاهم ، احترام متقابل و تنش زدایی در همه عرصه های کشوری ، منطقه ای و بین المللی.
20. استقبال از نوگرایی و کثرت گرایی سیاسی.
21. ترجیح منافع و مصالح ملی بر کلیه گرایشهای جناحی ، گروهی ، حزبی، قومی و غیر آن .
22. اتخاذ سیاست سماحت، مدارا و شکیبایی در تعامل با مسالمت جویان در عرصه های داخلی و خارجی.
23. بالا بردن کارایی دستگاه دیپلماسی کشور بر مبنای کارشناسی دقیق ، ابتکار در عمل ، توانایی مدیران و اقدام بهنگام ، در جهت تأمین منافع ملی در منطقه و در سطح بین المللی.
24. تقویت پایه های اصلی مردم سالاری به شرح زیر:

- انتخابات آزاد و تعیین رهبران و کارگزاران نظام بر مبنای رأی مرد.
 - فراهم ساختن زمینه مشارکت مردم در توسعه همه جانبه کشور.
 - پاسخگو بودن مسئولان در تمام رده های حکومتی در برابر مردم.
 - آزادی افراد ، رسانه ها و دستگاه های ارتباط جمعی در نقد حکومت و کارگزاران آن، بر اساس قوانین و مقررات مصوب نمایندگان مردم.
 - فعال شدن سازمانهای مردمی و غیر دولتی (NGO)، در چهار چوب قوانین ، و فراهم ساختن زمینه های لازم توسط دولت جهت بازدهی بهتر آنها در راستای منافع ملی.
- اصل چهارم:** کلیه قوانین و مقررات مدنی، قضایی، مالی و اقتصادی، سیاسی، اداری، فرهنگی، نظامی، و غیر اینها باید بر اساس آرمان های بلند انسانی که عصاره دین اسلامند، مانند عقلانیت، عدالت، حریت، محبت، رحمت، سماحت، مدارا، مکارم اخلاق، کرامت انسان، صلح جویی، مراعات حقوق بشر، و دیگر ارزش های آرمانی انسان، و با مراعات مبانی علمی و اجتهاد عالمانه و عادلانه ، توسط نمایندگان منتخب مردم، تبیین و تفسیر گردد.

فصل دوم: منشور حقوق و آزادی ها

- اصل پنجم:** همه مردم کشور از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان، مذهب، جنسیت و مانند اینها موجب تبعیض نخواهد بود.

حقوق و آزادی های بنیادین:

اصل ششم:

مهمترین حقوق و آزادیهای اساسی که حکومت باید در چهارچوب قانون محترم شمارد و با تمام امکانات خود از آنها حراست نماید ، به شرح زیر می باشد:

1. حق حیات و سلامتی به عنوان یکی از طبیعی ترین حقوق انسان ها که خداوند برای انسان ها خواسته است.
2. آزادی اندیشه و عقیده به عنوان یکی از اساسی ترین انواع آزادی انسان از یوغ بندگی و بردگی دیگران.
3. آزادی بیان و مطبوعات به منظور ارزیابی رفتارهای حکومت و انتقاد سازنده از آنها، جهت پیشگیری از استبداد و خود محوری حاکمان.
4. آزادی همایش ها و اجتماعات مسالمت آمیز در چهارچوب قانون.
5. آزادی تشکیل احزاب ، انجمن ها ، جمعیت ها و اتحادیه ها در جهت کثرت گرایی سیاسی.
6. آزادی انجام امور دینی و فرهنگی به صورت مسالمت آمیز و تضمین حقوق پیروان ادیان و مذاهب.
7. آزادی انتخاب شغل در چهار چوب قانون.
8. آزادی در شیوه زندگی شخصی ، تا جایی که موجب سلب حقوق دیگران و بر خلاف نظم و قانون نباشد.

9. مصونیت منازل شخصی مردم و عدم جواز ورود مأموران به خانه مردم ، مگر به حکم قانون.

10. مصونیت نامه های خصوصی و اسرار تلفنی و امثال آن و عدم کنترل آنها ، مگر در چهار چوب قانون.

11. رعایت عدالت در خصوص زنان و مراعات حقوق و کرامت آنان بر اساس قانون.

12. در نظر گرفتن اصل برائت در تعامل با مردم ، مگر اینکه خلاف آن توسط مراجع قانونی به صورت قطعی به اثبات برسد.

13. ممنوعیت خشونت و آزار و توسل به اسلحه برای اهداف عقیدتی ، گروهی، قومی و غیر آن.

14. ممنوعیت توهین و افتراء بر علیه اشخاص ، سازمانها ، گروه های نژادی و پیروان مذاهب.

حقوق قضایی:

اصل هفتم: همه شهروندان کشور، حق زندگی در پرتو امنیت و آزادی در چهارچوب قوانین و مقررات مصوب نمایندگان ملت را دارند.

اصل هشتم : هر یک از مردم کشور، که حق آنها به خاطر تجسس، مصادره غیرمنطقی، بازداشت یا زندانی شدن غیر قانونی تضییع شده باشد، باید توسط نظام و حکومت، مورد حمایت و مصونیت قرار گیرد و نسبت به وی، احقاق حق و اعاده حیثیت صورت پذیرد.

اصل نهم :

هریک از افراد ملت، در صورت دستگیری یا بازداشت، حق دارد:

(الف) در اولین فرصت، از سبب دستگیری یا بازداشت خود مطلع شود؛

(ب) در کوتاه ترین زمان، از حق داشتن وکیل، آگاه شود و امکان بهره مندی از کمک یک وکیل به انتخاب خودش برای او فراهم گردد؛

(ج) مجاز بودن بازداشت وی از طرق قانونی بررسی شود و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت، آزاد گردد، و احقاق حق او و اعاده حیثیت وی فراهم گردد.

اصل دهم:

هر یک از افراد مردم در صورت متهم شدن، حق دارد:

(الف) علت اتهام خود را در اسرع وقت بداند؛

(ب) در مدتی قانونی و منطقی به اتهام وی به صورت عادلانه و حق برخورداری از وکیل، رسیدگی شود؛

ج) در جریان بازجویی، با هیچ ابزار و روشی مجبور به اعتراف علیه خود نشود؛

د) امکان آزادی با ضمانت لازم و وثیقه معقول تا قبل از محکومیت قطعی برای او فراهم گردد، مگر با دلیل محکمه پسند.

ه) در مدت زمان متهم بودن، تا وقتی که دادگاه صالح و مستقل با مراعات مراحل دادرسی عادلانه و علنی و مراعات قوانین و مقررات مربوطه مانند حق برخورداری از وکیل و حضور هیأت منصفه (در مواردی که قوانین مصوب نمایندگان ملت لازم می داند) حکم قطعی مبنی بر مجرم بودن او صادر نشده باشد، باید بر مبنای اصل "برائت" به عنوان فرد بی گناه با وی رفتار شود.

و) در صورتی که مجازات اتهام وارده بین زمان ارتکاب جرم و زمان صدور رأی قطعی دادگاه تغییر کرده باشد، باید قدر متیقن که کمترین مجازات است در حق او اعمال شود.

اصل یازدهم:

متهم یا مدعی و یا شاهد در صورت ناتوانی نسبت فهمیدن و سخن گفتن به زبان مورد استفاده در طول زمان بازجویی و دادرسی، حق دارد از مترجم واجد شرایط برخوردار باشد.

اصول صیانت از مردم

اصل دوازدهم: جان، مال، حقوق، آبرو و حیثیت اشخاص در نظام قوانین و مقررات کشور، از تعرض مصون است.

اصل سیزدهم: هرگونه تهدید، شکنجه و آزار جسمی یا روحی و روانی و امثال آن برای گرفتن اطلاعات و یا اقرار از متهم، ممنوع و خلاف قانون است. فرد و یا دستگاهی که این قانون را زیر پا بگذارد، مجرم است و بر مبنای مقررات و قوانین جزایی کشور، مجازات می گردد. همچنین، نظام حکومتی موظف است تا برای افرادی که قربانی آزار و شکنجه شده اند، احقاق حق نماید.

اصل چهاردهم: تفتیش عقاید و تحمیل عقیده بر افراد دیگر در همه زمینه ها ممنوع است و هیچ فردی به خاطر اعتقاداتش نباید مورد تعرض قرار بگیرد.

اصل پانزدهم: حق اعتراض به دولت و حکومت و تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها بدون اعمال خشونت و بدون حمل سلاح در نظام قوانین و مقررات مصوب نمایندگان ملت، مجاز و محفوظ است.

حکومت و نیروهای نظامی و انتظامی باید حافظ امنیت و سلامت اجتماع کنندگان و تظاهر کنندگان قانونی باشند.

فصل سوم: حقوق اجتماعی

اصل شانزدهم: حکومت در جهت نیل به توسعه اجتماعی کشور، مسئولیتهای ذیل را در قبال مردم، بر عهده دارد:

1. همگانی ساختن تسهیلات آموزشی، پرورشی، بهداشتی و درمانی.
2. برنامه ریزی برای رشد عموم مردم.
3. گسترش سواد آموزی به صورت فراگیر.
4. افزایش امنیت اجتماعی در همه ابعاد.
5. حفظ طراوت و شادابی جامعه و کاهش میزان اضطراب و افسردگی.
6. تقویت روح برادری، برابری، گذشت، احترام به دیگران، همیاری، شکیبایی، درستکاری، آزادی و مراعات حقوق دیگران.
7. تضمین مایحتاج رفاهی ضروری برای همگان.
8. برنامه ریزی جهت پیشگیری از آسیبهای اجتماعی مانند بزهکاری، اعتیاد، تصادفات و سوانح، آلودگی محیط زیست، فقر (بویژه در خصوص کودکان خیابانی)، خودکشی، فحشا، بیماریهای روانی و مرگ و میر زودرس.
9. حاکم ساختن اصل کار و تلاش در جامعه و زدودن روحیه تن آسایی و راحت طلبی.
- 10- تناسب میزان سرانه سلامتی با نیازهای واقعی مردم.
11. تدوین و اجرای نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی.

12. هدفمند کردن یارانه ها .

13. همخوانی میزان رشد جمعیت با ظرفیتهای و امکانات کشور.

14. قرار دادن بنیان جامعه بر اساس نظم و انضباط اجتماعی.

نظام تأمین اجتماعی

اصل هیفدهم: نظام تأمین اجتماعی باید شامل بخشهای زیر گردد:

1- بیمه های اجتماعی مانند:

- بیمه خدمات درمانی.
- بیمه حوادث و سوانح.
- بیمه بیکاری.
- بیمه بازنشستگی.
- بیمه مراقبت از بیماران در محل زندگی شهروندان ارشد (خانه سالمندان).

2- جبران خسارتهای اجتماعی مانند:

- حمایت از قربانیان جنگ و خانواده های آنان.
- جبران خسارت زیان دیدگان به ناحق.
- جبران خسارت قربانیان جنایی.
- اعاده حیثیت اشخاص.

3- مساعدتهای اجتماعی مانند:

- کمکهای آموزشی و کارآموزی.

- کمک به پرورش کودکان از طریق والدین آنها.
- کمک به نیازمندان در امر مسکن.
- کمک به معلولان.
- 4- حمایت‌های اجتماعی مانند:
- پرداخت کمک هزینه زندگی به خانواده های کم درآمد یا بدون درآمد.

فصل چهارم : نظام اقتصادی و مالی

اصل هیجدهم: نظام اقتصادی در حکومت مردمسالار اسلامی ، بر اساس مبانی یادشده در زیر، بنا می گردد:

1. مالکیت بر سه نوع است:

- مالکیت ملی که به کل ملت تعلق دارد.
 - مالکیت خصوصی توسط آحاد مردم و شرکت های متعلق به اشخاص.
 - مالکیت دولتی که توسط حکومت مدیریت می شود و منافع آن باید صرف اداره کشور شود.
- ضوابط و مقررات و قلمرو و شرایط هر سه بخش مذکور را قانون مصوب نمایندگان ملت ، تبیین می کند.

اصل نوزدهم: حکومت ، مسئولیت فراهم ساختن موارد یادشده در زیر را بر عهده دارد:

1. تامین نیازهای اساسی مردم مانند مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، توسعه شبکه های آب و برق و گاز و اینترنت و دیگر زیرساخت های ضروری، و فراهم ساختن تسهیلات لازم برای تشکیل خانواده.
2. ایجاد زمینه کسب و کار برای عموم مردم.
3. مراعات آزادی انتخاب شغل برای مردم در چهارچوب قانون.
4. ممانعت از استثمار و بهره کشی از دیگران.
5. جلوگیری از رانت خواری، احتکار، اختلاس، معاملات ممنوعه، و انحصار طلبی صاحبان ثروت و قدرت.
6. مراعات صرفه جویی در استفاده از منابع، و ممانعت از تبذیر و هدر دادن اموال و امکانات کشور.
7. جلوگیری از تسلط بیگانگان بر منابع طبیعی و نظام اقتصادی کشور.
8. تامین معاش قشر آسیب پذیر جامعه.
9. صیانت از عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه.
10. الزام دستگاههای اقتصادی به امر آموزش مستمر در همه سطوح مدیریتی اقتصادی و فنی، بر اساس آخرین دستاوردهای علمی در سطح جهان.
11. اصل قرار دادن سیاست واردات دانش، بجای واردات کالا.

12. افزایش اعتبارات در زمینه تحقیقات و فن آوری.
13. زدودن تبعیض میان اقوام کشور و تلاش در جهت تقسیم عادلانه ثروت میان اقوام و اقشار جامعه.
14. کاستن از کمیت فعالیتهای اقتصادی دولت و افزایش کیفیت هدایتی و حمایتی و نظارتی آن در زمینه تغییر فنی توسط مؤسسه های پژوهشی و ایجاد تعادل در عرصه های تولید و مصرف و اهتمام به زیرسازها و ساختارهای بنیادین صنعتی و ارائه اطلاعات مورد نیاز بازار.
15. هدایت فرایندهای اقتصادی توسط دولت ، به منظور کاستن تفاوتهای توزیعی میان مردم ، در حدی که از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی قابل قبول باشد.
16. ایجاد ارتباط متقابل میان بخشهای آموزشی و مدیریتهای اجرایی اقتصادی کشور در جهت تبادل تجارب و معلومات و برآورد میزان عرضه و تقاضا در زمینه تربیت نیروی انسانی متخصص.
17. توجه به نقش اساسی عامل انسانی و توزیع مناسب سرمایه میان بخشهای صنعتی و کشاورزی.
18. برنامه ریزی در جهت رشد تولید ملی ، نسبت به مصرف ملی.
19. توجه به شاخصهای توسعه انسانی (HDI) شامل طول عمر ، امید به زندگی ، میزان دانش و درآمد پایه ؛ به عنوان معیار توسعه

اقتصادی پایدار ؛ در کنار توجه به تولید ناخالص ملی (GNP) به عنوان معیار رشد اقتصادی.

20. برنامه ریزی در جهت جلوگیری از خروج سرمایه های داخلی و گسترش سرمایه گذاری خارجی ، از طریق اعطاء تضمینهای لازم و فراهم آوردن ثبات سیاسی و اقتصادی.

21. اهتمام به سیاستهای تعاونی در جهت ایجاد ساختارهای عادلانه اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی .

22. محدود کردن واردات ، به منظور تشویق صنایع داخلی ، همگام با تضمین ارتقاء سطح کیفی محصولات ملی.

23. بهینه سازی روشهای تولید در زمینه های صنعت ، کشاورزی ، دامداری ، شیلات و غیره.

24. بالا بردن سطح تراز بازرگانی و رفع موانع صادرات.

25. اولویت دادن سرمایه گذاری صنعتی به موارد پیوند ماقبل و مابعد، مانند صنعت پتروشیمی ، ذوب آهن و امثال آن.

26. قرار گرفتن میزان سود سرمایه دار در سطحی که با سهم دستمزد از مجموع محصول خالص همخوانی داشته و با تولید کالای دستمزدی (مقدار کالایی که با دستمزد می توان خرید) متناسب باشد.

27. تنظیم نظام مالیاتی بر مبنای محاسبه دقیق و صحیح ، به نحوی که انگیزه اشتغال ، به قوت خود باقی بماند.

28. برنامه ریزی در جهت انضباط مالی و جلوگیری از اسراف ، بویژه در حوزه مصارف ارزی.

29. بالا بردن سطح اشتغال از طریق اجرای طرحهای اساسی ، مانند برطرف کردن کسری تراز تجاری و افزایش استفاده از نیروی کار در زمینه کالاهای صادراتی و مواد خام. به عنوان مثال، تقویت و توسعه پتروشیمی که موجب ایجاد اشتغال بیشتر می گردد و در عین حال ، درآمد حاصل از فروش نفت را افزایش می دهد.

30. کاربر کردن ساختار تولید ، به منظور رشد اشتغال و نهایتا ، افزایش دستمزد واقعی نیروی کار.

31. سرمایه گذاری در زمینه تولید انرژیهای جایگزین نفت و گاز ، بویژه انرژیهای پاک.

32. مبارزه با فساد اقتصادی ، قاچاق ، رانت خواری و بازار سیاه.

33. تعادل در امر کاهش و افزایش حجم پرداختهای انتقالی رفاهی ، تا از یکسو میزان تورم کنترل شود و بهره وری صنعتی محفوظ بماند و از سوی دیگر، اختلاف درآمد میان فقیر و غنی به صورت نامعقول افزایش نیابد.

34. برقرار ساختن پیوند مناسب میان حسابهای تولید و درآمد (از دید تقاضا) و محدوده داده ها- ستاده ها (از دید عرضه) و جریان حسابهای منابع مالی ، به منظور تدوین مدل جامع تجزیه و تحلیل برای ارزیابی دقیق پدیده هایی چون کنترل جمعیت، تاثیر افزایش قیمت مواد غذایی ، افزایش محصول کشاورزی و بالا رفتن قیمت انرژی.

35. تلاش در جهت متوازن کردن رشد اقتصادی.

36. تقویت بخش خصوصی و زمینه سازی برای مشارکت بیشتر مردم در امور اقتصادی.

37. ارتقاء روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای دیگر.

38. گسترش نظام ارتباطات در عرصه های داخلی ، منطقه ای و بین المللی.

39. بالا بردن ارزش پول ملی .

40. اصلاح مقررات مربوط به چک و اعتبارات بانکی.

41. حمایت گسترده از بخش کشاورزی به نحوی که بتواند تولید مواد غذایی کشور را همگام با رشد جمعیت بالا ببرد و از مهاجرت روستائیان به شهرها جلوگیری کند.

42. ارتقاء سطح تسهیلات حمل و نقل زمینی، دریایی و هوایی در جهت توسعه راهها، شبکه راه آهن، بنادر و کشتیرانی و خطوط هوایی.

43. حمایت ویژه و قدردانی از مبتکران و اندیشمندان کشور در عرصه های صنعت، تحقیقات و فناوری؛ و پیشگیری از فرار مغزها.

اصل بیستم: حفظ محیط زیست که بقاء حرث و نسل (حیات گیاهی و انسانی) وابسته به آن است واجب می باشد. بنا بر این، هرگونه عملی در راستای تخریب و انهدام جنگل ها، مراتع، و دیگر مظاهر محیط زیست، ممنوع است.

اصل بیست و یکم: کلیه دریافت های دولت در حساب های خزانه داری کل که بیت المال ملت محسوب می گردد، متمرکز می شود و همه پرداختها بر اساس اعتبارات مصوب نمایندگان ملت و بر مبنای قوانین و مقررات کشور انجام می گیرد.

اصل بیست و دوم: دیوان محاسبات کشور زیر نظر مستقیم نمایندگان ملت در مجلس شورای اسلامی می باشد.

اصل بیست و سوم: دیوان محاسبات به کلیه حسابهای وزارتخانه ها، بنیادها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و همه دستگاه هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می کنند به ترتیبی که قوانین مصوب نمایندگان ملت مقرر می دارد رسیدگی و حسابرسی می نماید تا اطمینان

حاصل شود که هیچ هزینه ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر بودجه ای در محل و مورد قانونی خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، کلیه حسابها و اسناد و مدارک حسابرسی را برابر قانون تهیه و تدوین نموده و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام دیدگاه های تخصصی و کارشناسی به مجلس شورای اسلامی تسلیم می نماید. گزارش یادشده باید در دسترس عموم مردم گذاشته شود.

فصل پنجم: سیاست های فرهنگی

اصل بیست و چهارم : حکومت، وظایف ذیل را در زمینه توسعه فرهنگی کشور، بر عهده دارد:

1. اصلاح فرهنگ عمومی بر مبنای ارزشهای اصیل ملی ، دینی و فرهنگی.
2. بنیانگذاری بینش فرهنگی نسل جدید بر اساس ارزش ها.
3. بازسازی نظام آموزش و پرورش ، متناسب با مقتضیات زمان و رسالت تعلیم و تربیت.
4. ارتقاء آموزش عالی در راستای تولید علم و نوآوری.
5. گسترش فضای پژوهشی و ایجاد آفرینندگی فرهنگی.

6. برنامه ریزی در جهت شکوفایی استعدادها و شناسایی و پرورش استعدادهای درخشان در پرتو تشویق و ترغیب های مادی و معنوی.
7. ترویج فرهنگ نظم ، قانون پذیری و وجدان کاری.
8. تقدیر از قشر اساتید و معلمان و مربیان و فراهم کردن زمینه لازم جهت شناخت و استفاده آنان از بهترین شیوه های آموزشی و مناسبترین روشهای پرورشی.
9. تشویق و ترغیب مردم به مطالعه و کتاب خوانی و زمینه سازی جهت ترویج آن.
- 10- تبیین اهمیت برخورد مناسب با دیگران بر اساس احترام متقابل ، مدارا و شکیبایی ، نوع دوستی و تحمل آراء و عقاید آنان.
11. گسترش هنرهای سودمند در عرصه های سینما ، تئاتر، نقاشی ، هنرهای تجسمی و مانند آنها.
12. نگهبانی از هویت فرهنگی جامعه و ارزشهای آن، همگام با حفظ بالندگی فرهنگی و استفاده صحیح از دستاوردهای دیگر تمدن ها و فرهنگ ها، از طریق افزودن کمالات دیگران بر کمالات خویش.

فصل ششم: تشکیلات نظام حکومتی

اصل بیست و پنجم : تشکیلات نظام حکومتی در اسلام ، باید بر اساس مبانی ذیل استوار گردد:

- بیعت (رای مردم)
- مشروعیت (رضایت مردم)
- مشورت (مشارکت مردم در تصمیم گیری های حکومت)

اصل بیست و ششم: حاکمیت مطلق از آن خداوند متعال است. این حاکمیت در امر اداره جوامع بشری بدین معناست که :

1. خدای بزرگ، اصول اساسی هدایت بشر در هر دو عرصه مادی و معنوی را از طریق وحی الهی و فرستادن رسول خود تبیین فرموده است. (انا هدیناه السبیل).
2. خداوند ، تعیین سرنوشت مردم را در چهارچوب ارزش های بلند الهی و انسانی مانند عدالت خواهی، آزادی، برادری و برابری، تکامل معنوی، قانونگرایی، حقوق و کرامت انسان ها، و دیگر مبانی قرآنی ، بر عهده مردم نهاده است. (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم).

اصل بیست و هفتم: ارکان حکومت مردمسالار اسلامی عبارتند از:

- رهبری نظام
 - دستگاه قانونگذاری (مجلس شورای اسلامی)
 - دستگاه اجرایی (دولت)
 - دستگاه قضایی (قوه قضائیه)
- اصل بیست و هشتم: قوای سه گانه در حکومت مردمسالار اسلامی، مستقل از یکدیگرند و هر یک از آنها در انجام وظایف خود در چهارچوب قانون عمل می کنند.

اصل بیست و نهم: هماهنگی و ارتباط میان قوای سه گانه بر عهده رهبری نظام است.

اصل سیم: وظایف و مسئولیت های دستگاه قانونگذاری بر عهده مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم در سراسر کشور تشکیل می گردد، و مصوبات آن بر اساس مراحلی که در اصول بعد بیان می شود، به منظور اجراء، به دستگاه اجرایی کشور (دولت)، و دستگاه قضایی (قوه قضائیه) ابلاغ می گردد.

اصل سی و یکم: در صورت درخواست حد اقل دو سوم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مسائل بسیار مهم و حساس سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و دیگر مسائل کشوری و لشکری، از

طریق همه پرسی مستقیم و مراجعه به آراء عمومی ملت، به رأی همه مردم کشور گذاشته می شود.

اصل سی و دوم: مسئولیت اجرایی کشور و اجرای مصوبات مجلس شورای اسلامی در زمینه اداره امور کشور، بر عهده دستگاه اجرایی (دولت) است.

اصل سی و سوم: مسئولیت قضایی کشور، بر عهده دستگاه قضایی (قوه قضاییه) می باشد که بر مبنای قوانین مصوب نمایندگان ملت، توسط این دستگاه اعمال می گردد.

فصل هفتم: دستگاه قانونگذاری (مجلس شورای اسلامی)

اصل سی و چهارم: نمایندگان ملت در مجلس شورای اسلامی با رأی مستقیم مردم و با رأی گیری مخفی، انتخاب می شوند. مقررات امر انتخابات و شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان را قانون معین می کند.

اصل سی و پنجم: دوره نمایندگی در دستگاه قانونگذاری چهار سال است. بجز دوره اول، انتخابات هر دوره باید در مدت زمانی پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به نحوی که کشور هیچگاه بدون مجلس شورای اسلامی نباشد.

اصل سی و ششم: تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی و محدوده حوزه های انتخابیه را قانون بر اساس جمعیت کشور و عوامل جغرافیایی و امثال آن، تعیین می کند.

اصل سی و هفتم: مقررات تعیین ریاست مجلس و کمیسیون ها و اداره مجلس شورای اسلامی ، توسط آئین نامه داخلی دستگاه قانونگذاری تبیین می گردد.

اصل سی و هشتم: مذاکرات، نطق ها ، و جریان رأی گیری در مجلس شورای اسلامی باید به صورت علنی از طریق رسانه های رسمی کشور به اطلاع عموم مردم برسد.

اصل سی و نهم: در صورت ملاحظات امنیتی و شرایط اضطراری، بنا به درخواست رئیس دولت، یا هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی ، جلسه غیر علنی تشکیل می گردد. تصمیم گیری های جلسات غیر علنی مجلس شورای اسلامی باید با حضور شورای نگهبان قانون اساسی با شد و به تصویب حد اقل سه چهارم اعضاء مجلس شورای اسلامی برسد.

گزارش و مصوبات جلسات غیر علنی، پس از بر طرف شدن شرایط اضطراری و رفع مخاطرات امنیتی، باید برای اطلاع عموم مردم ، منتشر شود.

اصل چهارم: نمایندگان مجلس شورای اسلامی می توانند با موافقت حد اقل یک سوم نمایندگان، خواستار حضور وزراء جهت پاسخگویی و ارائه توضیحات در مجلس شورای اسلامی شوند.

اصل چهارم و یکم: مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل کشور با رعایت اصول قانون اساسی، می تواند قانون وضع کند.

اصل چهارم و دوم: مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی در تضاد با مبانی دین اسلام و اصول قانون اساسی وضع نماید.

داوری در این امر، بر عهده شورای نگهبان قانون اساسی قرار دارد.

اصل چهارم و سوم: "طرح های قانونی" به پیشنهاد حد اقل ده درصد از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، قابل طرح در مجلس می باشند.

دولت نیز، "لایحه های قانونی" را پس از تصویب هیأت وزیران، به منظور بررسی و تصویب نمایندگان دستگاه قانونگذاری، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می کند.

اصل چهارم و چهارم: طرح های قانونی و پیشنهادهای اصلاحی نمایندگان در خصوص لایحه های قانونی، اگر به کاسته شدن درآمد عمومی یا افزایش هزینه های عمومی منجر شود، تنها در صورتی که راه جبران کاهش درآمد و یا تأمین هزینه جدید را معین سازند، قابل طرح در مجلس می باشند.

اصل چهل و پنجم: مجلس شورای اسلامی به عنوان تبلور نمایندگی ملت، حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.

اصل چهل و ششم: قراردادهای، عهدنامه‌ها، و کلیه موافقت‌نامه‌های بین‌المللی میان کشور با دولت‌های دیگر باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل چهل و هفتم: نمایندگان مجلس شورای اسلامی حق دارند در مورد همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نمایند.

در عین حال، هرگونه سخن توهین‌آمیز توسط نماینده و غیر او در صحن مجلس شورای اسلامی ممنوع است و در غیر این صورت، به تشخیص ریاست دستگاه قانونگذاری یا جانشین او که اداره جلسات را بر عهده دارد، باید فردی که توهین کرده است در همان جلسه عذرخواهی کند، و در غیر این صورت، باید صحن مجلس را فوراً برای جلسه آن روز ترک نماید.

فصل هشتم: شورای نگهبان قانون اساسی

اصل چهل و هشتم: به منظور تضمین انطباق مصوبات مجلس شورای اسلامی با اصول قانون اساسی کشور و مبانی دین اسلام، شورای نگهبان قانون اساسی با ترکیب ذیل تشکیل می‌گردد:

1. هشت نفر از متخصصان دانش حقوق در رشته های گوناگون حقوق با درجه علمی حد اقل دکتری و متصف به تعهد اخلاقی و دینی که توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی برگزیده و تعیین می گردند.

2. هشت نفر از متخصصان علم فقه اسلامی در حد اجتهاد و متصف به عدالت و آگاهی نسبت به مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، که توسط رهبری نظام، انتخاب و تعیین می شوند.

اصل چهل و نهم: اعضای شورای نگهبان قانون اساسی برای مدت پنج سال انتخاب می شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال، نیمی از اعضای هر دو گروه به قید قرعه تغییر می یابند و اعضای جدید به جای آنها انتخاب می شوند، تا امکان انتقال تجارب نظارتی توسط منتخبان قبلی و منتخبان جدید به صورت عملی، تسهیل گردد.

اصل پنجاهم: کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی بجز تصویب اعتبارنامه نمایندگان و تعیین هشت نفر حقوقدان شورای نگهبان، باید به تایید اکثریت اعضای شورای نگهبان برسد، تا مطابقت آن با اصول قانون اساسی و مبانی دین اسلام، احراز گردد، در غیر این صورت، مصوبات مذکور، اعتبار قانونی ندارد.

اصل پنجاه و یکم: تفسیر اصول قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان است که باید به تصویب سه چهارم کل اعضای آن برسد.

فصل نهم : شوراهای

اصل پنجاه و دوم: به منظور افزایش مشارکت مردم سراسر کشور در سرنوشت خویش و در جهت پیشبرد سریع طرح ها و برنامه های اقتصادی، اجتماعی، عمرانی، آموزشی، فرهنگی، بهداشتی و امثال آن، شوراهای استان ها، شهرستان ها، بخش ها و روستاها در سراسر کشور تشکیل می گردد، و اعضاء آن ها از میان مردم نواحی یادشده ، توسط مردم همان مناطق انتخاب می گردند.

ضوابط و شرایط انتخابات و حدود اختیارات شوراهای مذکور را قانون مصوب نمایندگان ملت، تبیین می نماید.

اصل پنجاه و سوم: در جهت احقاق حقوق کارگران، کشاورزان، و دیگر اصناف ، شوراهایی متشکل از نمایندگان اصناف در واحدهای مربوطه تشکیل می گردد.

کیفیت انتخاب نمایندگان اصناف و مسئولیت های شوراهای صنفی مذکور را قانون مصوب نمایندگان ملت، معین می کند.

فصل دهم : رهبری نظام

اصل پنجاه و چهارم: انتخاب رهبر نظام با رأی مردم سراسر کشور، طی دو مرحله انجام می گیرد:

در مرحله اول، همه مردم در انتخابات سراسری و به صورت مستقیم، نمایندگان خود را در مجلس خبرگان رهبری که وظیفه شناخت و معرفی رهبر واجد شرایط را برای نظام جمهوری مردمسالار اسلامی بر عهده دارند، برای مدت پنج سال انتخاب می کنند.

در مرحله دوم، نمایندگان منتخب مردم در مجلس خبرگان، از میان کاندیداهای این مسئولیت، فردی را که واجد همه شرایط لازم در زمینه علم و دانش، پاکی و پارسایی، تدبیر و مدیریت، اخلاق و معنویت، بینش سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، مقبولیت عام در نزد مردم کشور، تجربه و توانمندی جسمی و فکری، حق محوری و شجاعت و دیگر کمالات انسانی باشد، به عنوان رهبر نظام انتخاب و معرفی می نمایند.

اصل پنجاه و پنجم: رهبر نظام و مسئولان قوای سه گانه و همه مسئولان کشوری و لشکری، با سایر مردم کشور در برابر قانون، مساوی هستند.

اصل پنجاه و ششم : ضوابط و شرایط خبرگان و کیفیت انتخاب آنان را در طول زمان، قوانین مصوب نمایندگان ملت در مجلس شورای اسلامی، تعیین می نماید.

اصل پنجاه و هفتم : تدوین آئین نامه داخلی مجلس خبرگان بر عهده نمایندگان مجلس خبرگان رهبری می باشد.

اصل پنجاه و هشتم: مسئولیت نظارت بر عملکرد رهبر نظام به منظور حصول اطمینان از دوام و بقاء شرایط و ضوابط رهبری وی، بر عهده مجلس خبرگان رهبری است.

اصل پنجاه و نهم : مسئولیت های رهبر نظام بدین شرح است:

1. فرماندهی کل نیروهای مسلح و عزل و نصب رئیس ستاد مشترک و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی، و اعلام جنگ و صلح، و اعلام بسیج عمومی نیروها.
2. تعیین و برکناری هشت نفر از فقهای شورای نگهبان.
3. نصب و عزل ریاست دستگاه قضایی.
4. هماهنگی و حل اختلاف قوای سه گانه.
5. عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.
6. نصب و عزل ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور.
7. مرجعیت دینی نظام در مواردی که فتوای فقهی واحد و مشخصی مورد نیاز دستگاه های کشور است.

اصل شستم: هر گاه رهبر نظام از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در صل پنجاه و چهارم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود بر کنار خواهد شد. تشخیص این امر بر عهده مجلس خبرگان است.

اصل شست و یکم: در صورت فوت یا استعفا و یا برکناری رهبر، مجلس خبرگان رهبری موظف است، در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام کند. تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رؤسای قوای سه گانه (مقننه، مجریه و قضائیه) همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می گیرد.

فصل یازدهم: دستگاه اجرایی

اصل شست و دوم: رئیس دستگاه اجرایی در نظام های ریاستی، به عنوان رئیس جمهور، با رأی مستقیم ملت به مدت چهار سال انتخاب می گردد و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره دیگر بلامانع است. اما رئیس دستگاه اجرایی در نظام های پارلمانی به عنوان نخست وزیر، با رأی اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی برگزیده می شود.

اصل شست و سوم: رئیس دستگاه اجرایی کشور، مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد.

اصل شست و چهارم : شرایط رئیس دستگاه اجرایی کشور بدین شرح است:

- تابعیت کشور
- صلاحیت علمی در حد دکتری یا معادل آن
- تجربه مدیریت در امور اجرایی
- امانت ، پاکی ، تدین ، و حسن سابقه
- اذعان به مبانی نظام مردمسالار اسلامی و قانون اساسی کشور

ضوابط و کیفیت انتخاب و برگزیدن رئیس دستگاه اجرایی را قانون معین می کند.

اصل شست و پنجم: رئیس دستگاه اجرایی موظف است مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتایج همه پرسی عمومی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسئولان ذی ربط در قوه مجریه قرار دهد.

اصل شست و ششم: سفیران کشور در دیگر بلاد، به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس دستگاه اجرایی تعیین می شوند.

امضاء استوارنامه سفیران کشور و پذیرش استوارنامه سفرای بلاد دیگر بر عهده رئیس دستگاه اجرایی است.

اصل شست و هفتم: تعیین وزراء و معرفی آنان به مجلس شورای اسلامی جهت اخذ رأی اعتماد، بر عهده رئیس دستگاه اجرایی است.

تعداد وزیران و اختیارات آنان و مقررات وزارت خانه ها را قانون تبیین می نماید.

اصل شست و هشتم: ریاست هیأت وزیران ، و هماهنگی و نظارت بر وزراء بر عهده رئیس دستگاه اجرایی می باشد.

اصل شست و نهم: دارایی رهبر، رئیس دستگاه اجرایی، معاونان رئیس دولت، وزیران ، رئیس و معاونان دستگاه قضا ، رئیس و هیأت رئیسه دستگاه قانونگذاری و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط "کمیسیون حسابرسی مالی سران نظام" رسیدگی می شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.

اصل هفتم: "کمیسیون حسابرسی مالی سران نظام" توسط دیوان عالی کشور تشکیل می گردد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز، نماینده ای را با اکثریت آراء انتخاب می کنند تا در کمیسیون مذکور، حضور و نظارت داشته باشد. نماینده مذکور، گزارش نظارت خود را به مجلس شورای اسلامی ارائه می دهد.

فصل دوازدهم: دستگاه قضایی

اصل هفتاد و یکم: دستگاه قضایی ، به منظور اجرای موارد ذیل ، تشکیل می گردد:

1. تحقق عدالت و تضمین حقوق عامه مردم.
2. نظارت بر حسن اجرای قوانین.
3. رسیدگی به دادخواهی ها ، و حل و فصل دعاوی ، و صدور احکام قانونی در موارد لازم.
4. کشف جرم ، تعقیب و شناسایی و مجازات مجرمان بر مبنای قوانین.
5. برنامه ریزی جهت پیشگیری از وقوع جرم.
6. جلوگیری از اجرا و لغو دستورات غیر قانونی مسئولان کشور.

اصل هفتاد و دوم: بالاترین نهاد در دستگاه قضایی، دیوان عالی کشور است که از نه نفر قاضی عالیرتبه که شرایط آنان را قانون معین می کند، توسط رئیس دستگاه قضایی تشکیل می گردد. وظیفه دیوان عالی کشور ، نظارت بر اجرای صحیح قوانین در دادگاه ها و ایجاد وحدت رویه قضایی و اجرای مسوولیت هایی است که بر مبنای قانون به آن محول می گردد.

اصل هفتاد و سوم: رئیس دستگاه قضایی از میان افراد واجد شرایط ذیل، توسط رهبر نظام، به عنوان عالی ترین مقام در دستگاه قضایی، منصوب می گردد.

1. صلاحیت علمی در حد اجتهاد در فقه اسلامی

2. عدالت و تقوا

3. آگاهی جامع نسبت به امور دستگاه قضایی و احکام قضایی اسلام

4. توانایی لازم در امر مدیریت کلان

اصل هفتاد و چهارم: مسئولیت های رئیس دستگاه قضایی عبارتند از:

1- تشکیل دادگستری

2- ارائه لوایح قضائی به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب.

3- فراهم کردن ساز و کار لازم جهت استخدام قضاة عادل و کارآزموده و متخصص در امر قضا، بر اساس قوانین.

4- تعیین رئیس و اعضاء دیوان عالی کشور بر اساس قوانین و مقررات.

5- پیشنهاد وزیر دادگستری به رئیس دستگاه اجرایی.

6- تعیین رئیس دیوان عدالت اداری کشور.

7- تعیین رئیس سازمان بازرسی کل کشور.

8- تعیین دادستان کل کشور با مشورت قضاة دیوان عالی کشور.

اصل هفتاد و پنجم: رئیس دستگاه قضایی، حق اعمال نظر و صدور امر و نهی به قضاة دیوان عالی کشور و دیگر قضاة را در خصوص صدور احکام قضایی آن ها ندارد.

اصل هفتاد و ششم: سازماندهی دادگاه ها و صلاحیت آن ها و شرایط و صفات قضاة را قانون تعیین می کند.

اصل هفتاد و هفتم: عزل قضاة تنها در صورت اثبات جرم آنها که موجب انفصال است، توسط رئیس قوه قضاییه و با موافقت اکثریت اعضاء دیوان عالی کشور، امکانپذیر است.

اصل هفتاد و هشتم: رسیدگی به اتهامات و کلیه محاکمه ها باید به صورت علنی و با مراعات حق داشتن وکیل برای متهم و شاکی انجام شود، مگر آنکه به تشخیص محکمه، علنی بودن محاکمه در تعارض با امنیت کشور یا منافی عفت عمومی، و یا به تقاضای طرفین دعوا در دعاوی خصوصی باشد.

اصل هفتاد و نهم: اصل در موارد اتهام، برائت متهم است، مگر اینکه جرم او با دلائل و مستندات قانونی به اثبات برسد. بنا بر این، لازم است با متهمان در طول دادرسی و رسیدگی به اتهامات آنها تا قبل از زمان اثبات جرم و صدور حکم نهایی، با روش برخورد با افراد بی گناه، با آنها رفتار.

اصل هشتادم: شرایط و ضوابط احکام دادگاه ها و کیفیت صدور و اجرای احکام قضایی را قانون تعیین می کند.

فصل سیزدهم : سازمان رسانه ملی

اصل هشتاد و یکم : وظائف سازمان رسانه ملی عبارتند از :

1. اطلاع رسانی صحیح و دقیق به مردم بر مبنای آزادی بیان و مراعات صحت و امانت در بیان اخبار.
2. نشر دانش عمومی و مکارم اخلاقی و معارف اسلامی.
3. تبیین مواضع ، قوانین، توصیه ها، و دستاوردهای بخش های مختلف نظام جمهوری مردمسالار اسلامی.
4. ایجاد فضایی مناسب برای بیان پیشنهادات و انتقادات و راه حل آنها توسط قشرهای مختلف مردم ، و فراهم نمودن زمینه پاسخگویی مسئولان نظام.
5. استفاده از متخصصان جامعه شناسی، روانشناسی، اسلام شناسی، امور آموزشی و تربیتی، و امثال آنها، در امر برنامه ریزی و تدوین طرحها و برنامه های سازمان رسانه ملی.
6. فراهم ساختن زمینه لازم جهت حفظ نشاط، شادی ، سرزنده بودن و شادابی جامعه، از طریق تدوین و نشر برنامه های ورزشی، سینمایی ، تفریحی، سرگرمی و کمدی.
7. برنامه ریزی در جهت ارتقاء سطح فرهنگ عمومی با استفاده از کارشناسان و متخصصان فرهنگی ، علمی و دینی.

8. تقویت شناخت و التزام عموم مردم نسبت به مبانی نظام مردمسالار اسلامی با روش های عالمانه و حکیمانه.

اصل هشتاد و دوم : شورای نظارت بر سازمان رسانه ملی، مرکب از دو نماینده رئیس دستگاه قانونگذاری و دو نماینده رئیس دستگاه اجرایی و دو نماینده از جانب رئیس دستگاه قضا، وظیفه نظارت بر حسن انجام امور ریاست و دیگر مسئولان این سازمان را بر عهده دارند.

اصل هشتاد و سوم : رئیس سازمان رسانه ملی با پیشنهاد اکثریت اعضای شورای نظارت بر رسانه ملی، توسط رهبر نظام، منصوب می گردد.

اصل هشتاد و چهارم : شرایط رئیس سازمان رسانه ملی بدین شرح است:

1. تخصص و تجربه لازم در زمینه امور رسانه ای و اطلاع رسانی.

2. تدین و پاکی.

3. توانایی در امر مدیریت کلان

فصل چهاردهم : سازمان ملی انتخابات کشور

اصل هشتاد و پنجم : سازمان ملی انتخابات کشور، وظیفه اجرای کلیه

انتخابات را در نظام مردمسالار اسلامی بر عهده دارد.

اصل هشتاد و ششم: این سازمان باید نهادی غیر حزبی و فرا جناحی باشد، و مسئولان و کارگزاران آن باید به هیچ حزب و جناحی وابستگی نداشته باشند.

اصل هشتاد و هفتم: این سازمان باید نسبت به قوای سه گانه و دیگر ارکان نظام، مستقل باشد و تنها بر اساس وظائف و مقرراتی که قانون معین کرده است، عمل نماید.

اصل هشتاد و هشتم: شورای عالی سازمان ملی انتخابات از افراد ذیل تشکیل می گردد:

- پنج مجتهد عادل، به انتخاب رهبر نظام.
 - پنج قاضی عالیرتبه به انتخاب دیوان عالی کشور.
 - پنج حقوقدان متخصص در رشته های مختلف حقوقی به انتخاب مجلس شورای اسلامی.
- اصل هشتاد و نهم: رئیس سازمان مذکور به پیشنهاد شورای عالی آن، از میان اعضاء این شورا، توسط رهبر نظام، منصوب می گردد.

اصل نودم: رئیس سازمان مذکور، مانند دیگر اعضاء سازمان، دارای یک رأی در هنگام رأی گیری های شورای عالی می باشد.

اصل نود و یکم: هیچ مقامی حق اعمال نظر در انجام وظایف قانونی شورای عالی و مسئولان سازمان ملی انتخابات کشور را ندارد. آئین نامه

اجرایی این سازمان، توسط شورای عالی آن بر اساس قوانین و مقررات کشور، تدوین می گردد.

اصل نود و دوم : شرایط و مواصفات داوطلبان انتخابات را قانون تعیین می کند.

اصل نود و سوم: احراز یا عدم احراز شرایط داوطلبان انتخابات توسط شورای عالی سازمان مذکور صورت می گیرد و باید مستند به دلایل قانونی و محکمه پسند باشد.

اصل نود و چهارم : هرگونه شکایت داوطلبان انتخابات و یا احزاب و جناح ها از سازمان ملی انتخابات کشور، توسط قضاة واجد شرایط در دستگاه قضایی در مدت زمان مناسبی که حق داوطلبان تضییع نشود، مورد رسیدگی قرار می گیرد. در صورت اثبات تضییع حقوق داوطلبان انتخابات توسط سازمان ملی انتخابات، باید برای داوطلبان یادشده به دستور دادگاه، احقاق حق شود و اعاده حیثیت به عمل آید.

اصل نود و پنجم : سازمان ملی انتخابات کشور، نتیجه نهایی انتخابات را باید پس از مرحله رسیدگی به شکایات داوطلبان انتخابات، اعلام می کند. مدت زمان مرحله رسیدگی به شکایات را قانون مصوب نمایندگان ملت، معین می کند.

فصل پانزدهم : بازنگری در قانون اساسی

اصل نود و ششم : هرگونه تغییر و یا اصلاح لازم در اصول قانون اساسی در صورتی که در تضاد با مبانی قطعی اسلام و اصول اساسی مردمسالاری نباشد، طی مراحل که قانون معین می کند، انجام می پذیرد.

اصل نود و هفتم : بازنگری در قانون اساسی ، پس از تصویب در شورای بازنگری قانون اساسی و تایید حد اقل سه چهارم اعضاء شورای نگهبان قانون اساسی ، از طریق همه پرسی عمومی در سراسر کشور و با رأی اکثریت مردم ، انجام می گیرد.

اصل نود و هشتم: ترکیب اعضاء شورای بازنگری قانون اساسی و مراحل اجرای همه پرسی عمومی در سراسر کشور را قانون مصوب نمایندگان ملت ، تعیین می کند.
